



### خدا حافظی کلی

بسیاری از نامزدها در داخل و خارج کاخ سفید برای دستیابی به پست رئیس ستاد کارکنان کاخ سفید رقابت می‌کردند اما ترامپ روز ۱۴ دسامبر در توثینی نوشت، «میک مولوینی» مدیر دفتر مدیریت و بودجه به محض رفتن کلی، به‌عنوان سرپرست ستاد کارکنان کاخ سفید منصوب می‌شود. کوشنر بعد از ظهر همان روز نزد من آمد و گفت که از این تصمیم خوشحال است ولی باقی ماندن عنوان «سرپرست» در این پست، باعث سردرگمی می‌شود. وقتی بعدها این اتفاقات را کنار هم گذاشتم معلوم شد که واقعا مذاکراتی بین ترامپ و مولوینی درباره شرح وظایفش صورت گرفته و تصمیم‌گیری برای انتخاب او تا اندازه‌ای از روی احساسات بوده است. بمبوتو فکری می‌کرد مولوینی اساساً کاری را که ایوانکا و کوشنر از او می‌خواهند انجام خواهد داد؛ این موضوع هر دوی ما را نگران می‌کرد. پست کلی دوم ژانویه ۲۰۱۹ به مولوینی تحویل داده شد.

\*\*\*\*\*

کلی چند ماه بعد و در اکتبر ۲۰۱۹ در مصاحبه‌ای که هم‌زمان با بحران استیضاح ترامپ به‌دلیل رسوایی اوکرین، انجام داد، گفت: «به ترامپ گفته بودم هرکاری می‌خواهید، انجام دهید، اما یک «بله قربان گو» را که نمی‌تواند حقایق را به شما بگوید استخدام نکنید، زیرا اگر این کار را انجام دهم باورم این است که استیضاح خواهید شد.» کلی افزود: «این حرف‌ها را درست همان موقعی که ترامپ تلاش می‌کرد جانشینی را برای پست من پیدا کند به او گفتم.» ترامپ کلاً این اظهارات کلی را انکار کرد و گفت: «جان کلی چنین چیزی را نگفته است. او هرگز چنین چیزی نگفت. اگر گفته بود او را اخراج می‌کردم، او مثل هرکس دیگری فقط می‌خواهد دوباره به سر کارش برگردد.» «استفنی گریشام» که قبلاً از افرادی بود که مورد غضب بانوی اول قرار داشت و اکنون دبیر مطبوعاتی کاخ سفید شده بود با قدرت تمام! اعلام کرد: «من با جان کلی کار کردم.او به‌طور کامل از ابزارهای لازم برای مدیریت نبوغ رئیس جمهوری معظم من محروم بود.» چنین حرف‌هایی کاملاً غلط‌ریت و شخصیت افرادی را که آنها را بیان کرده‌اند، نشان می‌دهد. با رفتن کلی و انتصاب مولوینی، همه تلاش‌های مؤثر برای مدیریت امور اجرایی دفتر رئیس جمهور متوقف شد. همه راهبردهای داخلی کاخ سفید و راهبردهای سیاسی که هرگز هم قوی نبودند، کاملاً نابود شدند: تصمیمات شخصی وضعیت وخیم تری پیدا کرد و هرج و مرج عمومی در کاخ سفید و دولت رواج یافت. شواهد زیادی وجود داشت که نشان می‌داد فرضیه کلی (درباره استخدام افراد مطیع و بله قربان گو) کاملاً درست بوده است.

#### فصل ۹ / ونزوئلاي آزاد

رژیم نامشروع ونزوئلا، به‌عنوان یکی از سرکوبگرترین رژیم‌های نیم‌کره غربی، برای دولت ترامپ یک فرصت بود اما بهره‌برداری از چنین فرصتی به تصمیمی یکپارچه که از طرف دولت امریکا و فشار مداوم، تمام‌عیار و بی‌وقفه نیاز داشت. ما نتوانستیم چنان استانداری را برای این بهره‌برداری از این فرصت رعایت کنیم. رئیس جمهوری مصمم نبود و تردید داشت و این امر نه تنها به حل اختلافات داخلی در دولت امریکا در قبال ونزوئلا کمک نمی‌کرد، بلکه باعث تشدید این می‌شد و بارها جلو تلاش‌های ما برای اجرای سیاسی تلاش‌خ در این زمینه را گرفت. ما هرگز نسبت به موفقیت حمایت‌های خود از تلاش‌های مخالفان دولت ونزوئلا برای یافتن جانشین «نیکولاس مادورو»، وارث «هوگو چاوز» رئیس جمهوری پیشین، بیش از حد لازم مطمئن نبودیم. این وضعیت تقریباً برعکس بود. مخالفان مادورو، ژانویه ۲۰۱۹ فعالیت خود را شروع کردند زیرا قویاً احساس می‌کردند که این آخرین فرصت آنها برای آزادی پس از سال‌ها تلاش و تجربه شکست است. امریکا به این تلاش پاسخ داد زیرا چنین حمایتی منافع ملی ما را تأمین می‌کرد. هنوز هم حمایت از مخالفان ونزوئلا به نفع ماست و مبارزه ادامه دارد.

بعد از تلاش‌های ناموفق برای سرنگونی مادورو، دولت ترامپ در علیی کردن این موضوع، آن هم با همه جزئیات آن و اینکه مخالفان دولت ونزوئلا تا چه اندازه به سرنگونی مادورو نزدیک شده بودند و چه اشتباهی رخ داد، تردیدی به خود راه نداد. بسیاری از رسانه‌ها در گزارش‌های خود با جزئیات کامل، موضوعاتی را تکرار کردند که ما در سراسر سال ۲۰۱۹ پیوسته از مخالفان ونزوئلا می‌شنیدیم و در این فصل به آنها خواهیم پرداخت. بسیار سخت است که بگوییم این یک حالت عادی در مکالمات و مראودات دیپلماتیک بود. ما همچنین نقطه نظرات بسیاری از اعضای کنگره، شهروندان امریکایی، اعضای جوامع امریکایی‌های کوبایی تبار و امریکایی‌های ونزوئلایی تبار بویژه در فلوریدا را شنیدیم. یک روز وقتی که ونزوئلا بار دیگر آزاد شود، بسیاری از افراد حامی مخالفان در این کشور می‌توانند آزادانه و علناً روایت‌های خود را بیان کنند. تا آن موقع، فقط خاطرات افرادی مانند من که به اندازه کافی خوش شانس بودیم تا بتوانیم روایت‌های ونزوئلایی‌ها را برای خود آنها بازگو کنیم، در دسترس خواهد بود(۱).

در ونزوئلا، با توجه به مخالفت‌های قوی و گسترده‌ای که علیه رژیم چاوز-مادورو جریان داشت، فرصت‌های هدررفته بسیاری در طول تاریخ طولانی دو دهه گذشته این کشور وجود دارد. وقتی بعد از آغاز فعالیت من در پست جدید مشاور امنیت ملی، مادورو حین سخنرانی در مراسم اعطای جایزه نظامی در روز چهارم ماه اوت، با دو پهباد مورد حمله قرار گرفت. هرچند این حمله شکست خورد، اما نشان داد که مخالفانی جدی در درون ارتش این کشور نیز وجود دارد. همچنین، انتشار تصاویر طنز آمیز از سربازانی که با شنیدن صدای انفجارها با تمام قدرت پا به فرار گذاشتند، برخلاف تبلیغات حکومت ونزوئلا، میزان «وفاداری» ارتش به مادورو را نشان داد.

حکومت استبدادی مادورو به‌دلیل ارتباطاتش با کوبا و پیشنهاد گشایش در روابط این کشور با روسیه، چین و ایران، برای ما یک تهدید محسوب می‌شد. تهدید مسکوقال انکار نبود؛ این کشور از نظر نظامی و مالی منابع نفتی «اکسون موبیل» را صرف تحکیم قدرت مادورو، سلطه بر صنعت نفت و گاز ونزوئلا و تحمیل هزینه‌هایی بر امریکا کرده بود. یکن چندان از روسیه عقب نبود. ترامپ متوجه این موضوع شد و بعد از تماس تلفنی با «عبدالفتاح السیسی» رئیس جمهوری مصر در نخستین روز سال جدید ۲۰۱۹ به من گفت نگران روسیه و چین است: «نمی‌خواهم بنشینم و تماشا کنم». وقتی کارم را شروع کردم ونزوئلا اولویت نخست من نبود اما مدیریت کامل امنیت ملی با بروز تهدیدها و فرصت‌های جدید، به اعطاف‌پذیری نیاز دارد. ونزوئلا صرفاً احتمال چنین فرصت یا تهدیدی را ایجاد می‌کرد. امریکا از زمان مطرح شدن «دکترین مونرو»، با تهدیدهای خارجی در نیم‌کره غربی مخالفت کرده و اکنون وقت آن رسیده بود که بعد از تلاش‌های ایوانکا و جان کری وزیر خارجه او برای دفن کردن آن، بار دیگر چنین دکترینی را احیا کند.

ونزوئلا، همان طور که در جریان حادثه دریایی ۲۲ دسامبر در مرز گویان-ونزوئلا معلوم شد، خود یک تهدید بود. در این حادثه یگان‌های نیروی دریایی ونزوئلا تلاش کردند وارد کشتی‌های متعلق به شرکت نفتی «اکسون موبیل» شوند که با مجوز کشور گویان در آب‌های سرزمینی آن کشور مشغول فعالیت اکتشافی بود. چاوز و مادورو صنعت نفت و گاز ونزوئلا را نابود کرده بودند و منابع هفگفت هیدروکربنی در گویان، به‌دلیل رقابت دو کشور می‌توانست درست در همسایگی ما، بلافاصله به تهدید تبدیل شود. این حادثه هنگامی که کشتی‌های اکتشافی با درخواست ونزوئلا برای فرود آمدن بالگرد روی عرشه یکی از آنها مخالفت کردند و بسرعت به آب‌های گویان بازگشتند، به پایان رسید.

- شنبه ۱۸ بهمن ۱۳۹۹**
- سال بیست‌وهفتم**
- شماره ۷۵۶۰**

#### نیویورک تایمز (امریکا):

بجنگ با بعیر. این وضعیت فقرا در برخی مناطق افغانستان است. برخی گروه‌های شبه نظامی افغانستان که با گروه‌های تروریستی می‌جنگند و مورد حمایت دولت قرار دارند، به فقرا پیشنهاد می‌دهند در قبال حقوقی اندک و غذا تفنگ به دست گیرند و با تروریست‌ها بجنگند.

#### فهرست کاری که باید تیم امنیت ملی باین انجام دهد

## پیش به سوی تغییر

**اندرو پاچویو**؛ رئیس مؤسسه کوپینسی

**مترجم:** بششه غلامی

در اندک زمانی که از ریاست جمهوری «جو بایدن» می‌گذرد، او با دستورهای اجرایی پیاپی و تذکرهای لازم – از اقداماتی که باید در مورد تغییرات اقلیمی در امریکا و خارج از آن انجام داد، گرفته تا اطمینان بخشی به اینکه مصنوعات ساخت امریکا توسط کارگران این کشور ساخته خواهند شد و همچنین مسائل مربوط به مهاجرت‌ها، واکسیناسیون کووید ۱۹، حداقل دستمزدها و غیره- کولاک به پا کرده است. اما در این کولاک ابتکارهایک موضوع از قلم افتاده است: جنگ و نظامی‌گری. با توجه به گرایش کشور امریکا به استفاده از زور (که این اواخر خیلی هم موفقیت آمیز نبوده است)، به بازاریابی گسترده ابوهی از سلاح‌ها در خارج از کشور (اغلب به رژیم‌های مستبد)، به حفظ مجموعه‌ای از پایگاه‌های خارجی (که برخی باقیمانده از جنگ جهانی دوم هستند) و به صرف بودجه نظامی بیش از هر کس دیگری در جهان- این خیلی عجیب‌است که فرمانده کل قوای جدید این کشور، حرفی برای گفتن درباره مسائل نظامی نداشته باشد. بسیار خب نمی‌گوییم هیچ، بایدن دستور داد قانون «ترامپ» درباره منع استخدام تراجسی‌ها در ارتش لغو شود. همین و بس. مرا ببخشید که باید بگویم این اقدام خاص کمترین کاری بود که می‌شد برای مبارزه با جنگ فرهنگی در استخدام نظامیان انجام داد. اقتدار پست ریاست جمهوری زمانی به اوج خود می‌رسد که ساکن اتاق بیسی کاخ سفید، ردای فرمانده کل قوای ایالات متحده را بر تن کند. با این حال به نظر می‌رسد بایدن عاقل‌ای به استفاده از این اقتدار ندارد. او به جز در موضعی که بحث به مسائل نظامی صرف می‌رسد، از توان قابل

## دوئل سخت «اردوغان» با دموکراسی نسل جدید

**زهره صفاری**، رئیس جمهوری ترکیه معترضان انتصاب یک سیاستمدار حامی دولت برای کرسی ریاست دانشگاه «یغازچی»، بهترین دانشگاه این کشور را «تروریست» خواند و بی‌توجه به خواست آنها که بسیاری نیز از دانشجویان این دانشگاه بودند، بر سرکوب آنها تأکید کرد و جنبش‌های دگرپاشی را نیز نقض ارزش‌های ترکیه خواند. به گزارش «گاردین»، این اعتراضات گسترده در حالی از یک ماه قبل آغاز شد که «ملیح بولو» نامزد پارلمانی حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۱۵ از سوی دولت اردوغان به ریاست این دانشگاه برگزیده شد. گرچه او دانش آموخته همین دانشگاه بود که گرایش سیاسی او، تعبیری جز نفوذ بیشتر دولت در فعالیت‌های این دانشگاه نداشت و از آنجا که گمانه زنی‌هایش نیز درباره سرقت ادبی در رساله و مقالات علمی‌اش مطرح بود، اعتراضاتی را برانگیخت. از سوی دیگر، «بولو» نخستین رئیس‌است که از کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ ترکیه، خارج از حلقه هیأت علمی دانشگاه به این کرسی رسیده و همین عامل نیز انتصاب او از نگه دانشجویان و کارکنان دانشگاه را غیردموکراتیک تلقی کرد و خواهان استعفاى او هستند. با این وجود، این درخواست‌ها به جایی نرسید و تجمع اعتراضی دانشجویان پس از یک ماه با پیایه‌های مختلف از سوی انجمن‌های دانشگاه‌های دیگر شکلی گسترده و ملی گرفت. به‌طوری که تنها در هفته گذشته دست کم ۲۵۰ نفر در استانبول و ۶۹ نفر نیز در آنکارا بازداشت شدند که بسیاری از آنها دانشجویان ترکیه‌ای بودند و دست‌کم پرنده ۵۱ نفر از آنها به دادگاه فرستاده شد. است. «سلیمان سولیو»، وزیر کشور ترکیه گفت: «۷۹ نفر از بازداشت‌شدگان و البته به گروه‌های اغتشاشگر چپ افراطی بودند. اما آنچه دولت را به فکر سرکوب همه جانبه این اعتراضات انداخته نگرانی از تکرار جنبش پارک گزی در سال ۲۰۱۳ است. شاید همین هراس نیز سبب شد تا «اردوغان»

در سخنرانی اخیر خود، معترضان «یغازچی» را تروریست خوانده و اعلام کند آنها را تحت کنترل درمی آورد: «کشور به دست تروریست‌ها نخواهد افتاد و ما هرگز کاری برای جلوگیری از آن خواهیم کرد. ما تروریسم را تحمل نکرده‌ایم و نخواهیم کرد.» منتقدان معتقدند پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶، انحصار قدرت در دستان اردوغان و سرکوب ارتش‌های دموکراتیک بشدت افزایش یافته و از زمان رئیس جمهوری عزل و نصب رؤسای دانشگاه‌ها را نیز دست گرفته است. اما این شرایط

#### ایندیندنت (بریتانیا):

شش ماه بعد از بزرگترین انفجار غیر هسته‌ای جهان، لبنان زیر فشار سه‌جانبه‌ای در حال خرد شدن است. از یک‌سو، پیامدهای این انفجار مردم را افسرده کرده، از سویی مرگ و میرهای گرونایی و از سوی دیگر سقوط مالی به‌سابقه که ۷ میلیون نفر را زیر خط فقر برده است.

#### حمایت بایدن از پایان جنگ یمن

جو بایدن در سخنانی در وزارت خارجه امریکا ضمن اعلام رنوس سیاست خارجی خود تأکید کرد، دولت تحت نظارت او در حال برنامه‌ریزی برای ایفای نقشی فعال‌تر برای پایان دادن به جنگ یمن است. به گزارش سایت شبکه خبری الجزیره، بایدن در این سخنرانی گفت: «این جنگ باید پایان یابد. ما خود را متعهد می‌دانیم مانع از عملیات تهاجمی در جنگ یمن شویم و از جمله روی مسأله فروش تسلیحات به عربستان در حال کار هستیم.» وی در عین حال اشاره کرد که دولت امریکا از تمامیت ارضی عربستان نیز حمایت می‌کند. جمله‌ای که با استقبال عربستان روبه‌رو شد. از دیگرسو انصارالله یمن نیز از تأکید بایدن بر پایان جنگ یمن استقبال و تأکید کرد: راه واقعی برقراری صلح در یمن توقف تجاوز و رفع محاصره است.

#### بررسی اختیارات هسته‌ای یک رئیس جمهور؛

مبنی بر اینکه ما بهترین ارتش تاریخ را داریم، مردم امریکا شایسته شنیدن پاسخ درست و کامل هستند. بایدن باید با ایجاد کمیسونی مخصوص تلاش کند، پاسخی درست به مردم امریکا بدهد. در این خصوص به من اجازه دهید سناتور سابق باب کری را که سناتور حزب دموکرات از ایالت نیبراسکا بود و همین‌طور دیپاسالار بازنشته-مایک مولن، رئیس سابق ستاد مشترک ارتش امریکا را پیشنهاد دهم. آنها می‌توانند هدایت چنین کمیسیون تحقیقی را برعهده بگیرند. آنها هرگز در این مسیر از راه حقیقت دور نمی‌شوند. بگذارید امریکایی‌ها در قبال بیش از ۶ تریلیون دلاری که از جیب آنها در جنگ‌های ابدی کشورشان هدر رفته است، چیزی دستگیرشان شود. بویژه که جنگ سرد که دلیل اصلی چنین

#### حق نسل من کجاست؟

حال آنکه برای اثبات اینکه به تعبیر دقیق رهبری، این انقلاب در هیچ معرکه، که در مصاف با تروریسم برانداز و چه در جنگ، طرف آغازگر نبوده و همواره «پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده» اسناد بسیار از جمله انبوه تصاویر وجود دارد. ما می‌توانیم به عنوان مثال مناظره‌ها و میاحث آزاد آن عصر را نشان دهیم و به نسل کنونی به‌طور مستند بگوییم که بزرگان این جمهوری، همواره پیشگام بحث آزاد با مخالفان بودند، می‌توان سطح رقابتی بودن و میزان آزادی و سطح مشارکت و پویایی و سرزندگی اجتماعی عصر پیروزی انقلاب در همان سال نخستین را نشان داد که به پیشرفت‌ترین دموکراسی‌ها پهلو می‌زد، می‌توان به یمن تصویر و سند افسانه دشمن ساخته «برنامه و توطئه پیشین برای نابودی و تخریب ابطال کرد، و می‌توان به اسناد تجربه زیسته سال‌های نخست انقلاب بطلان تئوری‌های توطئه درباره انقلاب را به سهولت اثبات کرد. اما این کارها چنانچه شایسته آن رخداد بزرگ است انجام نمی‌شود و به جای آن شاهد یک سلسله تصویرپردازی‌های یک‌سویه از انقلاب هستیم که ماهیت همگانی و به تعبیر اصام خمینی «همه با هم» بودگی انقلاب را به سایه می‌برد.

ما امروز نیازمند روایتی از عصر انقلاب هستیم که رو به آینده داشته باشد و به این پرسش پاسخ دهد که از آن انقلاب باشکوه برای قرن جدید چه چیزی مانده است. پاسخ این پرسش که انقلاب برای آینده چه دارد، دقیقاً همراستا با پاسخ به سوالات بنیادین است که این روزها زیاد شنیده می‌شود، پرسشی ناظر بر اینکه انقلاب تصمیم یک نسل خاص بود، بنابراین جایگاه نسل‌های آینده در نسبت با این انقلاب چیست؟ این نسل‌ها چگونه می‌توانند امال و آرزوهای خود را متبلور سازند؟

مهم‌ترین پرسش در این خصوص آن است که آیا انقلاب به وعده مشهور خود در منشور ۱۹۲۸ هم عمل کرده است و آیا حق هر نسل برای تعیین سرنوشت خود به رسمیت شناخته می‌شود؟ اگر به این پرسش پاسخ دهیم معنای روشنی از نسبت انقلاب و قرن پانزدهم شمسی در اختیار خواهیم داشت. در حقیقت این پرسشی نیرومند است که بر اساس آن باید برای نسل جدید توضیح داد: چگونه می‌توان در حین حفظ و محافظت از اصل جمهوری اسلامی، حق هر نسل برای تعیین سرنوشت خود را به رسمیت شناخت؟ آیا آن گزاره مشهور «پدران ما چه حقی داشتند؟» که در حقیقت نقطه تود یک ملت جدید در یک بحث بزرگ اجتماعی و انقلابی بود به قوت خود باقی است؟ چگونه؟

هیچ تضادی میان اصل «پدران ما چه حقی داشتند؟» و اصل بقای نظام جمهوری اسلامی وجود ندارد. انقلاب از طریق به رسمیت شناختن اصل تعیین سرنوشت در مسیر زمان می‌بالد و می‌پوید و به پیش می‌رود. آن گزاره در هر انتخاباتی، هر بار که یک ملت در یک سطح وسیع و تقریباً همگانی، با همه رنگ‌ها و فرهنگ‌های خود پای صندوق رای می‌رود تجسد عینی می‌یابد. یعنی گزاره «پدران ما چه حقی داشتند؟» با گزاره «میزان رای ملت است» خویشاوندی عمیق گفتمانی دارد و از خاستگاه واحدی

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

## ایران

#### گلوبال تایمز (چین):

همزمان با حضور تیم ۱۳ نفره سازمان بهداشت جهانی در ووهان برای کشف سرمنشأ کرونا، تعدادی از اپیدمیولوژیست‌ها از این سازمان خواسته‌اند، در تحقیقات خود به چین بسنده نکنند و ریشه کرونا در سایر کشورها همچون امریکا را نیز در کار علمی خود لحاظ کنند.

اختیاراتی بود، مدت‌هاست که تمام شده است. واضح است که چنین چیزی منطقی نیست، اگر بایدن این مسأله را درست کند، نسل‌های آینده وامدار او خواهند بود.

**■ توقف نوسازی ناوگان هسته‌ای امریکا:**

در حالی که در حال انجام این کار هستیم، هزینه‌ای که دولت ایوانا برای این کار تخمین زده بود، حدود ۱۰۷ تریلیون دلار برآوردن شده است. این تقریباً معادل همان پولی است که بایدن برای بازسازی اقتصادی امریکا در بحران کرونا خواستار آن شده و هنوز به آن نرسیده است. حالا با توجه به بحران‌های متعددی که می‌تواند پیش روی امریکا باشد، باید دید آیا واقعا کشور امریکا نیاز به مثلاً یک بمب‌افکن دوربرد یا زیردریایی موشک‌انداز و موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و کلاک‌های هسته‌ای دارد؟ بایدن می‌تواند تنها با یک دستور اجرایی این برنامه را متوقف کرده و دوباره آن را مورد بررسی قرار دهد.

**■ ارزیابی تأثیرات استخدام نیروهای داوطلب در میان مردم امریکا:**

بایدن باید عدالت را به موضوع اصلی رویکرد دولت خود تبدیل کند. زمانی که پای جنگیدن و مردن برای کشور به میان می‌آید، آیا یک نظامی داوطلب می‌تواند از تساوی حقوق به عدل و انصاف برخوردار باشد. یا اینکه با بی‌عدالتی مواجه می‌شود و به برخی از آنان گفته می‌شود: «از خدمات شما متشکرم» و به برخی دیگر، نه. آیا سیستم نظامی فعلی امریکا نیازهای اساسی شاغلان در آن را به تناسب کارایی و انصاف و عدالت برآورده می‌سازد؟

می‌دانم که بایدن الان یک فهرست بلند بالا از کارهایی که باید انجام دهد، دارد. اما او باید مثل یک فرمانده کل قوا وارد عمل شود و تأخیری هم در این خصوص نداشته باشد.

منبع: Los Angeles Times

برمی‌خیزند.

نباید تسلیم گفتارهای غیرعلمی و رسانه‌های جهت‌دار شد که سعی می‌کنند مفهوم براندازانه بر گزاره «پدران ما چه حقی داشتند» حمل کنند. آنها می‌خواهند نسل جوان ما ندانند که مطالبه و ماحصل انقاب ۵۷ نهادهایی بود که به نسل‌های بعدی اجازه می‌داد مطابق با امکانات تدبیر شده در قانون اساسی و نهادهای دموکراتیک، شیوه حکمرانی را با نیازهای روز خود انطباق دهند. لمره انقلاب ۵۷ یک نظام سیاسی منعطف به نسل بعدی امکان داد که آزمون و خطا را به بیرون از نظام سیاسی بلکه درون چارچوب‌های قانونی انجام دهند. اگر توانیم همین ظرفیت‌های هفگستر را به آگاهی نسل جوان برسانیم، می‌توانیم این جوانان را به مسیر کشف مجدد سرمایه‌های انقلاب اسلامی و کار بست آنها در زندگی روزمره تشویق کنیم و اگر در این راه موفقیتی کسب نکنیم نسل‌های جوان را به دام قرائت‌هایی خواهیم انداخت که هیچ نسبتی با واقعیت‌های انقلاب و ریشه‌ها و پیامدهای آن ندارند. هربار که یک نسل با اکثریتی بالای ۷۰ درصد بر سر صندوق‌های رای حاضر می‌شود در واقع آن پرسش هم به‌طور طبیعی پاسخ خود را می‌یابد: تحقق اصل تعیین سرنوشت هر نسل توسط نسل حاضر، در یک نظام غیردموکراتیک و نامتکی بر انتخاب ملت، مفهومی جز براندازی ندارد، اما نظام‌های مردم‌سالار شیوه‌های تغییر و تحول و اصلاح‌پذیری خودشان را در قانون اساسی منعکس می‌سازند. هر نسل در پاسخ به سوالات بنیادین است که ملت در آزادانه‌ترین انتخابات‌ها به آن رای داده و متن نهایی آن را در یک همه‌پرسی آزاد تصویب کرده، می‌تواند و حق دارد سرنوشت خود را به شیوه دموکراتیک تعیین کند و این رخدادی است که در طول سال‌های اخیر بارها در بزرگه‌های حساس تاریخ جمهوری اسلامی تکرار شده است.

این دست‌و‌داز بزرگ البته نه بی نقص است و نه امر دست‌یافته و به پایان رسیده؛ بلکه دست‌و‌دردی است که با تکرار و اعمال خود، در واقع خود را کمال می‌بخشد و همچنان بازتولید می‌کند. اکنون یک بار دیگر بر سر بزنگاهی جدید، باید با تکرار این حق و اجرای سازوکارهای دموکراتیک به استقبال قرن جدید برویم و انتخاباتی شایسته این قرن و درخور این نسل برگزار کنیم. هر انتخاباتی یک پایان و هم‌زمان یک آغاز است؛ پایانی بر جدال قانونی و مدنی درباره تر تعیین سرنوشت در مقطعی کوتاه و آغاز جدال مدنی و قانونی دیگر برای آما شدن جدی جهت و مقصد سرنوشت. جدای از انقلاب معنایی و معنوی در سال ۵۷، این سازوکار حیرت‌انگیز و متغییرش به حیات سیاسی، دست‌و‌دردی است که اگر نسل‌های جدید آن را بشناسند، به جنگ و دندان در صندوق‌های رای برای حفظ آن خواهند کوشید.

حق هر نسل برای تعیین سرنوشت، برای آنکه هر نسل گرفتار انتخاب‌های پدرانش نشود، در انتخابات دموکراتیک و مشارکت فعالانه در آن تجلی می‌کند. این بزرگ‌ترین میراثی است که انقلاب اسلامی برای نسل‌ها می‌تواند داشته باشد و ایشان را به سوی قرن آینده، به سوی زندگی بهتر هدایت کند.